

گزارش خشونت خانگی در سوئد، یک وظیفه شهروندیست

Photo: Gala2205/depositphotos.com

نعیمه دوستدار

یوزفین، معلم کلاس زبان سوئدی برای مهاجران، خاطرات زیادی از شاگردانش دارد که هر کدام به نوعی قربانی خشونت خانگی شده بودند. او و همکارانش، بخشی از زمان خود را صرف پیگیری این موارد و گزارش‌دهی به نهادهای مسوول می‌کنند؛ امری که برای جامعه سوئد یک مداخله مزاحم نیست و یک وظیفه شهروندی به حساب می‌آید.

یوزفین می‌گوید تعداد موارد خشونت خانگی در میان مهاجران کم نیست و گاهی نتایج بدی هم دارد، چون اغلب این زنان به محض ورود از حق و حقوق خود آگاه نیستند و ممکن است سال‌ها تحت خشونت باقی بمانند. با این حال، یوزفین تأیید می‌کند که مردان سوئدی هم از خشونت مبرا نیستند: «بقایای عادت به خشونت علیه زنان هنوز در آن‌ها هم پررنگ است اما فرقی این است که آن‌ها می‌دانند در صورت اعمال خشونت، سر و کارشان با قانون است.»

کشورهای اسکاندیناوی به برابری حقوق زنان و مردان شهرت دارند اما برای بسیاری مطلع شدن از آمار خشونت خانگی در این کشورها تعجب‌انگیز است. کشور سوئد که خود را کشوری فمینیست می‌خواند، آمار قابل توجهی در خشونت علیه زنان دارد که بر اساس تحقیقات انجام شده، دلیل آن گزارش‌دهی گسترده زنان از موارد خشونت خانگی و گسترش شمول آزارهای خانگی نسبت به دیگر کشورهای اروپایی و جهان است.

سال ۲۰۱۰ در سوئد، بیش از ۷۲۰۰۰ مورد خشونت علیه زنان بالای ۵۱ سال گزارش و ثبت شده است و به طور متوسط سالانه در حدود ۶۱ زن توسط مردی که با او روابط نزدیکی در گذشته داشته و یا اکنون دارد، به قتل می‌رسند. تنها طی سال گذشته میلادی، ۵۳ هزار مورد خشونت گزارش شده است. این رقم انواع خشونت از جمله آزار کودکان را شامل می‌شود.

بیشتر بخوانید:

[تجاوز و خشونت خانگی در قلب اروپا](#)

[از سوختن تا سوزانده شدن](#)

[سوئد چگونه به جنگ خشونت خانگی رفت؟](#)

برای تحقق برابری جنسیتی و مقابله با خشونت خانگی، ۲۰ سال پیش سوئد اقدام به تصویب قانونی برای مبارزه با خشونت خانگی کرد. سال ۱۹۹۱ پارلمان سوئد، قانون مبارزه با خشونت علیه زنان را تصویب کرد که حاصل کار پنج ساله دو کمیته تحقیق درباره خشونت علیه زنان و سو استفاده جنسی از زنان در جامعه سوئد بود.

اکنون به دنبال سال‌ها تلاش فعالان مدنی، افشای خشونت خانگی دیگر به اندازه گذشته تابو نیست و زنان کمتری خشونت را سالیان سال پنهان می‌کنند. اداره پلیس نه تنها آزارگران خانگی را تحت تعقیب قرار می‌دهد، که پخش ویدئوهای افشاکننده بخشی از برنامه پلیس سوئد برای مبارزه با خشونت خانگی است.

پلیس اعلام کرده پخش این ویدئوهای افشاگر نتیجه‌بخش بوده است. به نظر مقامات پلیس، تعداد بالای گزارش‌های رسیده به پلیس از خشونت خانگی، این موضوع را نشان می‌دهد که خشونت خانگی دیگر یک مساله مخفی نیست.

هلن فورسبک، از هیات مدیره پلیس ملی سوئد، در مصاحبه‌ای گفته: «ابهامات زیادی در مورد تعداد این‌گونه شکایت‌ها وجود دارد، اما مسلم است که موارد گزارش‌شده خشونت علیه زنان در دهه اخیر افزایش داشته است. فکر می‌کنم این موضوع بیشتر به دلیل بالا رفتن آگاهی و حمایت در سطح ملی از قربانیان است. زنان اکنون جرات می‌کنند به پلیس مراجعه و رسماً شکایت کنند.»

بر اساس قانون مبارزه با خشونت خانگی سوئد، مردی که در یک رابطه نزدیک، زنی را مورد خشونت قرار دهد، به خاطر سلب شدید آسایش زن به مجازات محکوم خواهد شد. در مورد نزدیکان دیگر نیز، فردی که مرتکب خشونت شده به دلیل سلب آسایش، محکوم می‌شود. کسی که در یک رابطه نزدیک از خشونت استفاده می‌کند، می‌تواند به دلیل ضرب و شتم یا تهدید نیز محکوم شود.

در کشور سوئد، اغلب مراکز کمک‌های فوری به زنان توسط سازمان‌های غیردولتی و با کمک افراد داوطلب، اداره می‌شوند و مراکز کمک‌های فوری به زنان و حتی دختران، در تمام کشور وجود دارد. درباره این مراکز می‌توان در این [وبسایت](#) اطلاعات بیشتری به دست آورد.

اداره خدمات اجتماعی بیشترین مسوولیت را برای ارائه کمک به کودکان، زنان و مردانی که با خشونت از سوی نزدیکان زندگی می‌کنند، بر عهده دارد. کمون‌ها نیز مسوولند که به زنان و کودکانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، در خانه‌های امن پناه بدهند.

بر این اساس در بسیاری از کمون‌ها، دایره بحران وجود دارد که به زنان و کودکان خشونت‌دیده، کمک می‌کند. دایره بحران ویژه‌ای نیز وجود دارد که به مردان کمک می‌کند تا دست از خشونت بردارند. برای کسی که مورد تهدید و خشونت قرار گرفته و به کمک احتیاج دارد، تماس با خط تلفنی آسایش زنان راهگشاست. خط تلفنی آسایش زنان همیشه آزاد است و زنگ زدن به آن تلفن هزینه‌ای در بر ندارد. حتی لازم نیست که فرد هنگام تماس نام خود را بگوید و خود را معرفی کند. در وبسایت خط تلفنی آسایش زنان، اطلاعات مربوط به این موضوع به زبان‌های مختلف وجود دارد.

زنان در معرض خشونت می‌توانند به مرکز Terrafem (شماره تلفن: ۰۱۰۱۲۵ - ۰۲۰) نیز زنگ بزنند. کارکنان این مرکز به ۰۵ زبان خدمات ارائه می‌دهند. تماس با این مرکز در روزهای عادی هفته از ساعت ۸ تا ۷۱ ممکن است و تلفن این مرکز هم رایگان است. همچنین این امکان وجود دارد که فرد تماس‌گیرنده نام و شماره تلفن خود را بگذارد تا کارکنان Terrafem به او زنگ بزنند.

مرکز کمک‌های فوری به زنان (kvinnojour)، نیز سازمان دیگری است که کمک و پناه در اختیار زنان و کودکانی می‌گذارد که در روابط نزدیک مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

[وقتی مشاوران خانه‌های امن سوئد به دادم رسیدند](#)

Photo: HBRH/www.shutterstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

صدایش مثل صدای زنی ست در دور دست. زنی از جایی دور و تاریک برگشته به زندگی. زنی به حال خود رها شده، خشونت دیده، رنجیده، طرد شده، بارها افتاده و از نو از جا برخاسته که خواسته باشد تا زندگی کند.

«نوشین «از خوانندگان» خانه امن «است که زندگی او را هم یک خانه امن در گوشه دیگری از این جهان بی در کجا نجات داده است.

او می‌گوید توفان را پشت سرش جا گذاشته اما نمی‌تواند بگوید به تمامی از آن رهیده، چون بخشی از ناخودآگاه ذهنش گاهی ناخواسته درگیر آن روزهای تلخ می‌شود.

نوشین دکترای مکانیک دارد. او یک زن تحصیل کرده و ظاهراً موفق بوده، اما حتی او هم زمانی که درگیر فرآیند خشونت شده، درک و دریافت درستی از شرایطش نداشته و نمی‌دانسته تا چه حد با رفتارهای خشونت‌زده محاصره شده است: «وقتی دایره خشونت‌های همسر سابقم آنقدر وسعت گرفت که من به ناچار با کمک پلیس سوئد به پناهگاه مخصوص زنان پناه بردم و ماه‌های متوالی آنجا ماندم، تازه متوجه شدم میزان خشونت‌هایی که دیده بودم تا چه حد زیاد بوده. من به وضعیت خودم خو گرفته بودم و می‌ترسیدم پام را از آن دایره معیوب بیرون بگذارم.»

نوشین وقتی به گذشته فکر می‌کند می‌بیند هشدارها را بسیار پیش از مهاجرت و از همان اولین روزهای ازدواج‌شان دریافت می‌کرده؛ هشدارهایی که نمی‌خواست باورش کند و پای چیزهای دیگر می‌گذاشته و به سهولت از کنارشان می‌گذشته: «فکر می‌کنم اولین تجربه خشونت‌م را همان روز قبل از ازدواج‌مان از سر گذراندم. وقتی کارهای لایت کردن موهایم در آرایشگاه به درازا کشید و او با پرخاش به من زنگ زد که خانواده‌اش همین دم از شهرستان می‌رسند و من در حال آرایش خودم هستم. آن لحظه چنان دلشوره‌ای به من هجوم آورد که در زیر انبوه رنگ و کلاه به خانم آرایشگر گفتم نمی‌خواهم ادامه بدهم. از او خواستم موهایم را سریع بشوید تا بتوانم به پیشواز خانواده همسرم

آنها اما بعد از ازدواج برای ادامه تحصیل همسر نوشین راهی استانبول می‌شوند. نوشین همان روزها تلاش می‌کند برای گذران‌شان شغلی خوب و آبرومند در یک شرکت آمریکایی دست و پا کند: «من با لیاقت و استعداد فردی بین تعداد زیادی داوطلب و متقاضی موفق شدم آن کار را از آن خودم کنم اما او و خانواده‌اش وانمود می‌کردند چون من اصالتاً ترک زبانم آنها برایم ارفاق قائل شده و این شغل را با گشاده‌دستی به من هدیه کرده‌اند، در حالی که من برای ماندن در آن موقعیت عملاً می‌جنگیدم و به نظرم بسیار خنده‌دار می‌آمد که یک کمپانی آمریکایی مرا به خاطر اینکه ترک زبانم - آن هم بین آن همه خانم متقاضی اهل ترکیه - استخدام کند. می‌توانید ربط ماجرا را درک کنید؟ نگاه همسر سابقم متأثر از نگاه والدینش بود. مادر همسرم با اینکه خودش زنی رنج‌دیده و خشونت کشیده بود اما به شدت قابلیت‌های مرا انکار می‌کرد. به خوبی به خاطرمانده همان روزهای استانبول که مادرش برای دیدار با ما آمده بود، وقتی خسته و کوفته از سر کار برمی‌گشتم او برای خودش، همسرش و پسرشان چای می‌آورد و به من که تازه از راه رسیده بودم می‌گفت اگر مایل هستی برو توی آشپزخانه برای خودت چای بریز. شاید به نظر تان این مساله امر قابل توجهی نباشد اما به من هشدار می‌داد که آنها حرمتی برای زن - حتی زنی که نقش تولیدی دارد - قائل نیستند.»

از همین نویسنده بیشتر بخوانید:

[زندگی‌هایی که بای منقل آن‌ها به باد می‌رود](#)

[بکارت؛ بهای دختر بودن](#)

[کودکانی که باد آن‌ها را می‌زاید و توفان درو می‌کند](#)

نوشین اما هنوز در استانبول احساس تثبیت‌شدگی نمی‌کرده که باز هم ناچار به مهاجرت می‌شوند؛ گرچه مهاجرت به سوند مسیر زندگی او را برای همیشه تغییر می‌دهد: «مدتی بعد همسرم برای دوره دکترا از یکی از دانشگاه‌های سوئد پذیرش گرفت. من اندوخته‌ام را تبدیل به دلار کرده و دست همسرم سپردم اما مدتی بعد که خودم وارد سوئد شدم تا ماه‌های متمادی پولی نداشتم و او هم کمک خرجی به من نمی‌داد. جالب است من که زنی مستقل بودم و همواره به موقعیت شغلی و درآمد خودم تکیه می‌کردم، حتی یک سنت پول نداشتم که سوار اتوبوس بشوم. به هر حال پروسه مهاجرت به حد کافی دردناک است. خانواده و شغل و گذشته‌ات را جا گذاشته‌ای و انتظار داری همسفر و هم‌خانه‌ات تو را حمایت کند اما در زندگی ما خبری از این حمایت نبود. شرایط سختی از سرم گذشت. از یک کشور آفتابی وارد کشوری شده بودم که سرمازده بود و ظهر به شب نرسیده، هوا به سرعت تاریک می‌شد و من حتی آن قدر پول نداشتم که برای رفع افسردگی از خانه‌ام بیرون بروم. پذیرش دوره فوق لیسانس دانشگاه در آن شرایط فقر و بی‌پولی به دادم رسید و خوشبختانه موفق شدم یک کمک هزینه مختصر دولتی از دانشگاه بگیرم. می‌شود گفت ۲۰۰۸ یورویی که دانشگاه به عنوان کمک هزینه به من پرداخت می‌کرد عملاً به دادم رسید. همسر سابقم سه سال بعد از مهاجرت‌مان از تر دکتراش دفاع کرد و من هم با وجود فشارهایی که خانواده همسرم وارد می‌کردند - اینکه من لیسانسه وارد زندگی پسرشان شده بودم و آن قدر زرنگ بودم که داشتم دکترایم را می‌گرفتم - تحصیلاتم را با همه دشواری‌هایش ادامه دادم. درست اما از همان روزها بود که او زمزمه جدایی را شروع کرد. وقتی تحصیلاتش تمام شد و امنیت مالی کافی به هم زد، تحت تاثیر نزدیک‌ترین دوست آلمانی‌اش که یک مرد مجرد بود شروع کرد به گفتن اینکه ازدواج احمقانه‌ترین کار دنیاست و دخترهای سوئدی چه قدر زیبا و دلربا هستند و اینکه بزرگ‌ترین اشتباه آدمی مقید شدن به چهارچوب ازدواج است. تنها دو هفته بعد دفاع از تز دکتراش بی‌هیچ دلیل مشخصی با بهانه‌جویی‌های عجیب و نامشخص، وسایلش را جمع کرد و از خانه مشترک‌مان رفت. حتی به من نگفت که قرار است کجا زندگی کند و علت رفتنش چیست. گفت مشاوری که مورد مشورتش بوده به او توصیه کرده لزومی ندارد محل اقامتش را به من اطلاع دهد.»

درست وقتی نوشین داشته به نبود همسرش عادت می‌کرده، سر و کله او پیدا می‌شود و به خانه برمی‌گردد و البته وانمود می‌کند که هیچ اتفاق خاصی هم رخ نداده.

نوشین که از شدت تنهایی احساس بی‌حسی می‌کرده، او را می‌پذیرد: «الان وقتی به گذشته‌ام فکر می‌کنم از خودم می‌پرسم چرا من بی‌هیچ واکنشی او را دوباره به زندگی‌ام پذیرفتم؟ چرا تا این حد می‌ترسیدم؟ چرا برای بیرون کردن آن آدم اشتباهی از زندگی‌ام تلاش نمی‌کردم؟ آن قدر در گوشم خوانده بودند که آن مرد باعث رشد و بانی تحصیلات و موفقیت‌هایم بوده که خودم هم عمیقاً باور کرده بودم و تصور می‌کردم بدون او نابود خواهم شد. سه ماه از برگشتنم به خانه گذشته بود و به نظرم هنوز هم در ماه عسل رابطه‌مان بودیم که یک روز که به شدت مست بود و مدام تلفنش زنگ می‌خورد، برای خاموش کردن صدای مزاحم تلفنش آن را برداشتم و از سر اتفاق چیزهایی دیدم که نباید می‌دیدم. متوجه شدم یک آیدی با نامی متفاوت باز کرده و با زن‌های مختلفی سکس چت می‌کند. شوکه شده بودم. بیدارش کردم و کم و کیف ماجرا را پرسیدم. او هم انکار نکرد.»

شوکه ناشی از درک و دریافت خیانت‌های مکرر، نوشین را وامی‌دارد تا به روان‌پزشک دانشگاه‌شان مراجعه کند: «به تراپیست دانشگاه مراجعه کردم. خانمی که تمام تلاشش را برای کمک به من انجام داد. او به من کمک کرد تا پروسه طلاق را برای خودم قابل پذیرش

کنم. اما جالبترین بخش ماجرا این بود که مردی که بعد از مهاجرت به تناب مرا تنها گذاشته و دنبال خوشگذرانی رفته بود، وقتی متوجه تصمیم من برای طلاق شد واکنش شدیدی نشان داد. به سوپروایزر، مشاور و دوستانم در محیط دانشگاه مراجعه کرده و به آنها گفته بود من مشکل اخلاقی دارم. هر جای دانشگاه پا می‌گذاشتم احساس می‌کردم آبرو و اعتبار ندارم. آن‌قدر دایره خشونت‌های روانی‌اش گسترده شده بود که در نهایت با کمک پلیس سوئد به پناهگاه مخصوص زنان پناه بردم. من ماه‌ها آنجا ماندم و آنجا فهمیدم دایره خشونت‌هایی که دیده بودم چقدر گسترده بوده است. مشاور خانه امن آنجا به من گفت هشت ماهی که همسرت بعد ورود به سوئد هیچ پول و کمک هزینه‌ای در اختیار نگذاشته نوعی خشونت شدید روانی بوده است. آنها برایم یک وکیل رایگان گرفتند. همسر سابقم اما تلاش می‌کرد با توسل به قوانین سوئد مرا از پا بیندازد. همان روزها وقتی شنیدم مصمم هستم طلاق بگیرم از من شکایت کرد که چون در سوئد برابری جنسیتی برقرار است و زمان زندگی با او، من مقداری یورو پس‌انداز کرده بودم، می‌بایست این مبلغ را با او قسمت کنم. باور این رفتارهای کودکانه برایم سخت بود. در نهایت اما وکیل پناهگاه با توسل به اینکه این اقدامات مانع گرفتن اقامت اروپایی‌اش خواهد شد، مجبور شد، عقب‌نشینی کند و ما در کشور سوئد طلاق گرفتیم.»

اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.

نوشین اما هنوز هم موفق نشده طلاق ایرانی‌اش را به ثبت برساند. همسر سابقش به او گفته حاضر به طلاق دادن او بر اساس قوانین ایران نیست: «طلاق نمی‌دهم تا همیشه اسیر بمانی و مجبور بشوی التماس کنی.»

در مقابل نوشین سعی کرده با کمک مشاوران خانه امن سوئد مدارک و مستندات لازم را جمع‌آوری کند و برای دادگاهی در ایران بفرستد. مدارکی که نشان می‌دهد همسرش او را تنها رها کرده، دنبال خوشگذرانی بوده و او را تامین مالی نمی‌کرده و تحت فشار می‌گذاشته است: «نمی‌دانم اگر کمک خانه امن سوئد و مسئولان دانشگاهم نبود من الان چه سرنوشتی داشتم. حتی پلیس هم از من حمایت می‌کرد و این مساله به من دلگرمی می‌داد.»

نوشین اما بعدها و در جریان یک کنفرانس در لندن با شانس تازه زندگی‌اش مواجه شده است: «در جریان کنفرانس با مردی کانادایی آشنا شدم که به اصول انسانی پای‌بند بود. من با او به کانادا مهاجرت کردم. زمانی که در کشور سوئد دانشجوی بودم و با همسر ایرانی‌ام زندگی می‌کردم خودم را موظف می‌دانستم همه کارهای خانه را با دقت انجام بدهم. بعد از ظهرها و زمانی که هر دو از دانشگاه برمی‌گشتیم او استراحت می‌کرد و من با خستگی مشغول پخت و پز و رفت و روب می‌شدم. بعدها و در زندگی تازه‌ام هم به طور اتوماتیک آشپزی می‌کردم. یک روز که از خستگی خوابم برده بود و نتوانسته بودم به موقع غذا بپزم با همان احساس شرم و ترسی که زمان زندگی با همسر سابقم داشتم سریع خودم را جمع و جور کردم و شروع کردم به توضیح دادن و عذرخواهی کردن از شریک زندگی‌ام. اولش متوجه نشد که من اساساً دارم بابت چه امری عذرخواهی می‌کنم. بعد که متوجه ترس من شد با مهربانی از من دلجویی کرد و برایم توضیح داد که من هیچ وظیفه‌ای در آن خانه ندارم و دلیلی ندارد احساس وظیفه و فشار کنم. او به من گفت اگر کاری انجام می‌دهم از سر لطف و مهربانی است نه از سر انجام وظیفه. این دو نگاه و دیدگاه مرا متوجه کرد که تمام آن سال‌ها درگیر چه حجمی از خشونت بوده‌ام و آن‌قدر به آن خو کرده بودم که خودم هم درکی از خشونت‌بار بودن آن رفتارها نداشتم.»

سوئد چگونه به جنگ خشونت خانگی رفت؟

Photo: dean bertoncej/www.shutterstock.com

نعیمه دوستدار

سوئد به بهشت برابری جنسیتی مشهور است اما در این بهشت هم هنوز زنان مورد خشونت قرار می‌گیرند. تنها در سال ۵۱۰۲، حدود ۹۲ هزار مورد خشونت علیه زنان در سوئد گزارش شده که ۷۳ درصد این موارد از سوی نزدیکان صورت گرفته: یعنی همان مواردی که به عنوان خشونت خانگی شناخته می‌شوند.

در طول سال‌های اخیر تعداد موارد خشونت‌ورزی گزارش شده در سوئد به طور قابل توجهی افزایش یافته است و توضیح مشهور در این زمینه این است که تحولات اجتماعی و رشد آزادی‌های اجتماعی زنان و فرهنگ برابری در این کشور باعث شده زنان بیشتری اعمال خشونت نسبت به خود را گزارش دهند.

قوانین کشور سوئد در اوایل دهه ۰۸۹۱ میلادی تغییر کرد و امکان پس گرفتن ادعای خشونت را از سوی زنان از میان برد. این قانون برای مقابله با تهدیدات احتمالی ای تصویب شد که زنان ممکن است در صورت شکایت با آنها روبه‌رو شوند.

قانون فعلی سوئد در مورد خشونت علیه زنان نیز در سال ۸۹۹۱ به اجرا درآمد.

این قانون بیان می‌کند که خشونت و سوءاستفاده از زنان مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد، به ویژه اگر از سوی مردی انجام شود که در یک رابطه نزدیک با آن زن قرار دارد.

در این قانون هر ضربه فیزیکی یا فشار جنسی و روحی علیه زن مورد توجه قرار گرفته است و حداکثر مجازات برای اعمال خشونت شدید به یک زن، شش سال حبس است.

زنان خشونت‌دیده‌ای که به کمک نیاز دارند می‌توانند به یکی از ۰۰۲ خانه امن محلی در سوئد مراجعه کنند. بیشتر این پناهگاه‌ها با یک یا دو سازمان بزرگ ملی، انجمن پناهندگان زن سوئدی یا سازمان ملی زنان مرتبط هستند.

سازمان‌های دیگری که در سوئد در زمینه خشونت علیه زنان مشغول به کار هستند عبارتند از: مرکز ملی اطلاع‌رسانی خشونت علیه زنان که با همکاری سازمان‌های مختلف از جمله سازمان‌های مرتبط با زنان در معرض خشونت و همچنین مرکز ملی دانش در زمینه خشونت علیه زنان فعالیت می‌کند.

درباره تجربه کشورهای دیگر بخوانید:

[خشونت خانگی در آلمان](#)

[فرانسه؛ کشوری که زنان جوانش بر اثر خشونت خانگی می‌میرند](#)

[زنان آسیب دیده امارات در برابر قانون](#)

در این جریان اما نکته مهم‌تر این است که دولت سوئد به منظور بالا بردن آگاهی‌ها در زمینه خشونت علیه زنان، در ارتباط با غیرت و ناموس و خشونت در روابط همجنسگرایان، یک برنامه متمرکز در حال اجرا دارد.

استراتژی ملی سوئد برای مبارزه با خشونت علیه زنان

خاتمه دادن به خشونت مردان علیه زنان، اولویت دولت سوئد خوانده شده که به عنوان دولتی فمینیستی در جهان شهرت دارد. به همین دلیل است که دولت این کشور یک **استراتژی ملی برای پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان** ارائه کرده است.

این استراتژی شامل اقداماتی است که برای حمایت و پشتیبانی از زنان مورد خشونت انجام می‌شوند؛ همچنین برای مبارزه با خشونت در روابط همجنسگرایان و ایجاد مانع بر سر راه مردانگی مخرب و مفاهیم مربوط به غیرت و ناموس.

این استراتژی همچنین بر مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردان برای متوقف کردن خشونت تأکید دارد.

دولت سوئد بر اساس این استراتژی بلند مدت و در یک برنامه عملیاتی هدفمند، متعهد شده تا دست به اقدامات فزاینده و متمرکز در زمینه خشونت علیه زنان بزند. بر این اساس، این دولت بر پیشگیری از خشونت تأکید ویژه‌ای دارد و متعهد شده که اقدامات مورد نظرش همه گروه‌های جامعه را در بر بگیرد و در عرصه‌های مختلف، توسعه یابد.

استراتژی ملی مبارزه با خشونت در سوئد برای یک دوره ۰۱ ساله برنامه‌ریزی شده و از تاریخ اول ژانویه ۷۱۰۲ به اجرا درآمده است.

اما چهار هدف اصلی استراتژی مبارزه با خشونت علیه زنان در سوئد شامل این موارد است:

- تشخیص و شناسایی دقیق‌تر موارد خشونت و حمایت بیشتر از زنان و کودکان در معرض خشونت.

- مبارزه موثر با خشونت بین‌المللی.

- بهبود دانش و توسعه روش‌شناسی در زمینه خشونت خانگی.

- تأکید ویژه بر اقدامات پیشگیرانه و مشارکت مردان.

تا به امروز، مبارزه با خشونت خانگی در اغلب کشورها از جمله سوئد بر مقابله با پیامدهای خشونت متمرکز بوده و کمتر به علل ایجاد آن پرداخته است. دولت سوئد اما اعلام کرده می‌خواهد این چشم‌انداز را تغییر دهد و روی پیشگیری از خشونت تمرکز کند. این کار نیاز به اقدامات موثر برای جلوگیری از خشونت و دخالت گسترده‌تر و سازنده‌تر مردان در این زمینه دارد و خلاف هنجارهایی است که خشونت، خرید خدمات جنسی و محدودیت در آزادی عمل و انتخاب‌های زنان و دختران در زندگی را توجیه می‌کند.

دولت سوئد همچنین تاکید کرده چالش‌های عمده‌ای در رابطه با خشونت علیه زنان و مبارزه با فحشا و قاچاق انسان برای اهداف جنسی وجود دارد و به همین دلیل جامعه باید در تشخیص خشونت بهتر عمل کند و دانش عمومی در مورد میزان خشونت و شیوه‌های موثر در مبارزه با آن باید بیشتر شود.

علاوه بر این جلوگیری از خشونت باید بین همه عناصر موثر در جامعه و در همه سطوح و به شکل هماهنگ انجام شود و پیگیری اقدامات لازم برای جلوگیری از خشونت علیه زنان، در دولت این کشور تقویت شود.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

برنامه بلند مدت برای اقدامات هدفمند، هماهنگ و موثر

به عنوان بخشی از اجرای استراتژی مبارزه با خشونت علیه زنان، دولت ۰۰۶ میلیون کرون (معادل تقریبی ۰۶ میلیون یورو) را به این طرح عملیاتی اختصاص داده که شامل اقدامات جدید برای سال‌های ۷۱۰۲ تا ۰۲۰۲ است. علاوه بر این ۰۰۳ میلیون کرون (۰۳ میلیون یورو) نیز در صندوق‌های توسعه به شهرداری‌ها و شوراهای شهرستان‌ها اختصاص داده است.

با اختصاص این بودجه، آژانس برابری جنسیتی از سوی دولت ایجاد خواهد شد و در نهایت این دولت سوئد است که برای پایان دادن به خشونت علیه زنان مسئول خواهد بود.

در چارچوب این برنامه عمل، دولت برای افزایش کارایی پیشگیرانه در مبارزه با خشونت به حمایت از توسعه و گسترش تلاش‌های پیشگیرانه خود در مبارزه با خشونت در سطح بین‌المللی می‌پردازد و آموزش جنسی را در مدارس مورد بازبینی قرار می‌دهد. همچنین با هر گونه تقاضا برای خرید خدمات جنسی مقابله می‌کند و به تقویت شیوه‌های بازآموزی مردان خشونت‌گر و آموزش آنها در مراکز بازپروری و زندان‌ها می‌پردازد.

علاوه بر این دولت سوئد خود را موظف می‌داند که شیوه‌های تشخیص خشونت را تقویت کند و به حفاظت و حمایت بیشتر از زنان و کودکان مورد خشونت بپردازد.

آموزش متخصصان، خدمات اجتماعی و بهداشت و درمان و پزشکی، برای مثال در زمینه بررسی گزارش‌های افراد خشونت‌دیده نیز از موارد مهمی است که دولت سوئد متعهد شده تا به آن بپردازد.

همچنین کودکانی که شاهد اعمال خشونت بوده‌اند یا خود در معرض خشونت قرار گرفته‌اند حمایت‌های بیشتری دریافت خواهند کرد و آموزش تخصصی در زمینه شیوه‌هایی از اعمال خشونت خانگی که مرتبط با مفاهیمی مانند ناموس و غیرت است، به طور ویژه مورد توجه قرار دارد.

اینها اما تنها مواردی نیستند که دولت سوئد بر آنها تاکید دارد. در طرح این کشور برای مبارزه با خشونت علیه زنان تاکید شده که روش‌های پلیس برای جلوگیری از خشونت مکرر باید بهبود یابد و تغییرات قانونی سال ۴۱۰۲ در این کشور در مورد ازدواج‌های اجباری و ازدواج کودکان باید مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین باید برای جلوگیری از تهدیدات و سوءاستفاده آنلاین تلاش بیشتری شود.

این اقدامات در کنار تلاش برای بهبود دانش در زمینه خشونت خانگی و ثبت آمارهای دقیق ملی از آن در راس برنامه‌های دولت سوئد برای مبارزه با خشونت نسبت به زنان قرار دارد.

سوئد و حمایت از زنان خشونت دیده

Photo: Rolf_52/shutterstock.com

نعیمه دوستدار

یوزفین، معلم کلاس زبان سوئدی برای مهاجران، خاطرات زیادی از شاگردانش دارد که هر کدام به نوعی قربانی خشونت خانگی شده بودند. او و همکارانش، بخشی از زمان خود را صرف پیگیری این موارد و گزارش‌دهی به نهادهای مسوول می‌کنند؛ امری که برای جامعه سوئد یک مداخله مزاحم نیست و یک وظیفه شهروندی به حساب می‌آید.

یوزفین می‌گوید تعداد موارد خشونت خانگی در میان مهاجران کم نیست و گاهی نتایج بدی هم دارد، چون اغلب این زنان به محض ورود از حق و حقوق خود آگاه نیستند و ممکن است سال‌ها تحت خشونت باقی بمانند. با این حال، یوزفین تایید می‌کند که مردان سوئدی هم از خشونت مبرا نیستند: «بقایای عادت به خشونت علیه زنان هنوز در آن‌ها هم پرننگ است اما فرقی این است که آن‌ها می‌دانند در صورت اعمال خشونت، سر و کارشان با قانون است.»

کشورهای اسکاندیناوی به برابری حقوق زنان و مردان شهرت دارند اما برای بسیاری مطلع شدن از آمار خشونت خانگی در این کشورها تعجب‌انگیز است. کشور سوئد که خود را کشوری فمینیست می‌خواند، آمار قابل توجهی در خشونت علیه زنان دارد که بر اساس تحقیقات انجام شده، دلیل آن گزارش‌دهی گسترده زنان از موارد خشونت خانگی و گسترش شمول آزارهای خانگی نسبت به دیگر کشورهای اروپایی و جهان است.

سال ۲۰۱۲ در سوئد، بیش از ۷۲۰۰۰ مورد خشونت علیه زنان بالای ۵۱ سال گزارش و ثبت شده است و به طور متوسط سالانه در حدود ۶۱ زن توسط مردی که با او روابط نزدیکی در گذشته داشته و یا اکنون دارد، به قتل می‌رسند. تنها طی سال گذشته میلادی، ۵۳ هزار مورد خشونت گزارش شده است. این رقم انواع خشونت از جمله آزار کودکان را شامل می‌شود.

درباره تجربه کشورهای دیگر بخوانید:

[امارات، زنان بی‌پناه در برابر خشونت خانگی](#)

[حتی از الهه‌ها هم کاری بر نمی‌آید!](#)

[از سوختن تا سوزانده شدن](#)

برای تحقق برابری جنسیتی و مقابله با خشونت خانگی، ۲۰ سال پیش سوئد اقدام به تصویب قانونی برای مبارزه با خشونت خانگی کرد. سال ۱۹۹۱ پارلمان سوئد، قانون مبارزه با خشونت علیه زنان را تصویب کرد که حاصل کار پنج ساله دو کمیته تحقیق درباره خشونت علیه زنان و سو استفاده جنسی از زنان در جامعه سوئد بود.

اکنون به دنبال سال‌ها تلاش فعالان مدنی، افشای خشونت خانگی دیگر به اندازه گذشته تابو نیست و زنان کمتری خشونت را سالیان سال پنهان می‌کنند. اداره پلیس نه تنها آزارگران خانگی را تحت تعقیب قرار می‌دهد، که پخش ویدئوهای افشاکننده بخشی از برنامه پلیس سوئد برای مبارزه با خشونت خانگی است.

پلیس اعلام کرده پخش این ویدئوهای افشاگر نتیجه‌بخش بوده است. به نظر مقامات پلیس، تعداد بالای گزارش‌های رسیده به پلیس از خشونت خانگی، این موضوع را نشان می‌دهد که خشونت خانگی دیگر یک مساله مخفی نیست.

هلن فورسبک، از هیات مدیره پلیس ملی سوئد، در مصاحبه‌ای گفته: «ابهامات زیادی در مورد تعداد این‌گونه شکایت‌ها وجود دارد، اما مسلم است که موارد گزارش‌شده خشونت علیه زنان در دهه اخیر افزایش داشته است. فکر می‌کنم این موضوع بیشتر به دلیل بالا رفتن آگاهی و حمایت در سطح ملی از قربانیان است. زنان اکنون جرات می‌کنند به پلیس مراجعه و رسماً شکایت کنند.»

بر اساس قانون مبارزه با خشونت خانگی سوئد، مردی که در یک رابطه نزدیک، زنی را مورد خشونت قرار دهد، به خاطر سلب شدید آسایش زن به مجازات محکوم خواهد شد. در مورد نزدیکان دیگر نیز، فردی که مرتکب خشونت شده به دلیل سلب آسایش، محکوم می‌شود. کسی که در یک رابطه نزدیک از خشونت استفاده می‌کند، می‌تواند به دلیل ضرب و شتم یا تهدید نیز محکوم شود.

در کشور سوئد، اغلب مراکز کمک‌های فوری به زنان توسط سازمان‌های غیردولتی و با کمک افراد داوطلب، اداره می‌شوند و مراکز کمک‌های فوری به زنان و حتی دختران، در تمام کشور وجود دارد. درباره این مراکز می‌توان در این [وبسایت](#) اطلاعات بیشتری به دست آورد.

از همین نویسنده بیشتر بخوانید:

[پومی اما جهانی: مبارزه با خشونت علیه زنان](#)

[کودکانی که به دنیا نیامده قربانی‌اند](#)

[خشونت علیه دختران](#)

اداره خدمات اجتماعی بیشترین مسولیت را برای ارائه کمک به کودکان، زنان و مردانی که با خشونت از سوی نزدیکان زندگی می‌کنند، بر عهده دارد. کمون‌ها نیز مسولند که به زنان و کودکانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، در خانه‌های امن پناه بدهند.

بر این اساس در بسیاری از کمون‌ها، دایره بحران وجود دارد که به زنان و کودکان خشونت‌دیده، کمک می‌کند. دایره بحران ویژه‌ای نیز وجود دارد که به مردان کمک می‌کند تا دست از خشونت بردارند. برای کسی که مورد تهدید و خشونت قرار گرفته و به کمک احتیاج دارد، تماس با خط تلفنی آسایش زنان راهگشاست. خط تلفنی آسایش زنان همیشه آزاد است و زنگ زدن به آن تلفن هزینه‌ای در بر ندارد. حتی لازم نیست که فرد هنگام تماس نام خود را بگوید و خود را معرفی کند. در وبسایت خط تلفنی آسایش زنان، اطلاعات مربوط به این موضوع به زبان‌های مختلف وجود دارد.

زنان در معرض خشونت می‌توانند به مرکز Terrafem (شماره تلفن: ۰۱۰۱۲۵ - ۰۲۰) نیز زنگ بزنند. کارکنان این مرکز به ۰۵ زبان خدمات ارائه می‌دهند. تماس با این مرکز در روزهای عادی هفته از ساعت ۸ تا ۷۱ ممکن است و تلفن این مرکز هم رایگان است. همچنین این امکان وجود دارد که فرد تماس‌گیرنده نام و شماره تلفن خود را بگذارد تا کارکنان Terrafem به او زنگ بزنند.

مرکز کمک‌های فوری به زنان (kvinnojour)، نیز سازمان دیگری است که کمک و پناه در اختیار زنان و کودکانی می‌گذارد که در روابط نزدیک مورد خشونت قرار گرفته‌اند.